

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

دستورات اخلاقی در قرآن داده شده و در علم اخلاق توصیه شده و تا حدی بین فضلا و نویسندگان متداول است و به حدّ بیشتری قاعدتاً در بین عرفا عمل به این دستورات شایع می‌باشد. یکی از این دستورات نهی از اسراف است. در آیه‌ی قرآن است: **كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ** (سوره اعراف، آیه ۳۱) بخورید و بیاشامید؛ یعنی آنچه خدا نعمت در اختیارتان داده از آن استفاده کنید، **وَلَا تُسْرِفُوا**، اما زیاده‌روی نکنید. یکی از جهاتی که می‌گویند: گرگ در منزل، این است که وقتی گرگ به گله می‌زند، یک گوسفند هم برایش زیاد است. گرگ هفت، هشت، ده تا گوسفند را لتوپار می‌کند که به اندازه‌ی یکی بخورد. این اسراف است. حالا بشر هم اگر اسراف بکند از همین نوع است. یعنی حریص می‌شود. می‌فرماید: بخورید و بیاشامید ولی اسراف نکنید. حالا این شعر بطور متلک می‌گوید: **«كُلُوا وَاشْرَبُوا رَا دُورَ غُوشِ كَنَ وَلَا تُسْرِفُوا رَا فَرَامُوشِ كَنَ»**؛ یعنی بخور تا بترکی، عامیانه‌اش این است. این برای نشان دادن این است که آدم باید همه‌ی این دستورات را هم‌چنین اقتضای وظیفه‌ای که دارد را با هم در نظر داشته باشد؛ **وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَ الْبَصَرَ وَ الْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُلاً** (سوره اسراء، آیه ۳۶) این بیشتر وظیفه‌ی قضات است و چون در قلم، همه‌ی قوانین را نوشته‌اند، همه‌ی قانون‌گزاران برای اینکه بگویند که ما خیلی آن را رعایت می‌کنیم، این مسأله را آوردند ولی در همه‌ی قضاوت‌ها رعایت نمی‌شود، کم رعایت می‌شود.

در همه‌ی قوانین دنیا آمده که در مورد رسیدگی به گناه یک نفر تا وقتی مطمئن نشدی نظر نده، قاضی باید مطمئن باشد. حالا اگر قاضی می‌گوید: ثابت کن که بی‌گناهی. او می‌گوید: آقا من بی‌گناهم. می‌گوید: ثابت کن که بی‌گناهی. بی‌گناهی که ثابت کردن نمی‌خواهد اگر تو می‌گویی گناهکار است باید تو ثابت کنی، باید تو علم به این کار را پیدا کنی. بعد بعضی‌ها آمدند گفتند: «علم قاضی»؛ یعنی قاضی علم پیدا کند که این مجرم است، دیگر به اختیار قاضی نگذاشتند که بگوید: من از قیافه‌اش می‌دانم که این آدم بدی است، دزد است. این صحیح نیست. تمام دستورالعمل‌هایی که هست، باید مورد توجه و مورد عمل همه قرار بگیرد و دسته‌جمعی همه‌ی آنها را رعایت کنند، نه اینکه یکی **كُلُوا وَاشْرَبُوا** را بگیرد **وَلَا تُسْرِفُوا** را فراموش کند، نه. حالا این دستورالعمل در زندگی شخصی و فردی همه‌ی ما هست که باید رعایت بشود.

از داستان‌های مشهور بین علما این است که یکی از علمای خیلی فاضل و دانشمند و تقریباً عارف، از پسرش پرسید: تو می‌خواهی چه کاره بشوی؟ پسر گفت که من می‌خواهم مثل شما بشوم. پدرش گفت: نه، بد فکری کردی برای اینکه من را که می‌بینی به اینجا رسیدم، اول می‌خواستم مثل امام جعفر صادق بشوم، این شدم؛ حالا تو که می‌خواهی مثل من بشوی، چه

می‌شوی؟! حالا شما همه بخواید العیاذ بالله مثل امام جعفر صادق بشوید.

این همه که مثال زدم برای این است که این مدل ما باشد و به دنبال این باشیم که بدانیم مفهوم‌شان چیست و برای چه؟ خلاصه این دستورات عمل‌ها همه را داشته باشید و در ذهنتان متمرکز باشد که محتاج به یادآوری نباشد، اصلاً خودش یادش باشد. مثل اینکه شما در تابستان می‌خواهید آب بخورید، می‌گویید آب یخ باشد، یا بستنی می‌خورید؛ جای داغ و اینطور چیزها را نمی‌خورید، اینها همه دستورات عمل بهداشتی است ولی شما که یادتان نیست. این دستورات عمل بهداشتی در فکر و ذهنتان هست و تمام اعمالتان خودبه‌خود مطابق آن می‌رود. حالا به این دستورات عمل‌های اخلاقی هم اینقدر توجه کنید، وارد باشید که جزء وجودتان بشود، جزء ذهنتان بشود؛ کما اینکه هرگز فراموش نمی‌کنید که خدا یکی هست، همیشه می‌گویید، جزء وجودتان است، دیگر توجه نمی‌کنید که مسلمان هستید. همه‌ی این دستورات عمل‌ها خیلی زیاد هم هستند، بیشترش هم جزء عرف جامعه قرار گرفته‌اند؛ مثل همین‌هایی که مثال زدم. **(برگرفته از گفتارهای**

عرفانی، صبح جمعه ۱۳۹۱/۴/۲)

شهادت حسین علیه السلام موجب شد که مردم آنوقت بفهمند که خلافت علی علیه السلام غیر از آن چیزی است که آنها خلافت می‌گویند. علی بن‌الحسین مثل جدش، پدرش خانه‌نشین شد، تا به خانه‌ی آخرت رفت. فرزندانش بعد از او هم اصلاً این مسأله را جدا کردند. این مقطع تاریخی بسیار مهمی است. این است که واقعه‌ی عاشورا آن چیزی نیست که فقط گریه کنیم و آقایان توی سرشان بزنند. یکی در ایام عزاداری بالای منبر هی حرف می‌زد، گفتند: بیا پایین؛ خیلی اشاره کردند، گفته بود: تا در این جمعیت یک نفر غش نکند من پایین نمی‌آیم. نه! عزاداری امام حسین برای این نبود، برای درک این مقطع بود که در آن، تاریخ ورق خورد، برگشت. خداوند گفت که بله، این جد است. تا کی؟ تا روز قیامت. یعنی روزی که امام ظهور کند. حسین این اهمیت را داشت و الا آن یک جنگی بود که هفتاد نفر در مقابل هزار نفر جنگ کردند و این هفتاد نفر، همه کشته شدند و همه چیز تمام شد ظاهراً اگر کسی غیرمعتقد نگاه کند، می‌گوید جامعه فرقی نکرد کسی ادعای خلافت داشت آمد و خلیفه هم موفق شد و او را از بین برد و حکومت عادی شد. آخر ما که اهمیت می‌دهیم، اهمیتش را ظاهراً درک می‌کنیم که این همه اهمیت می‌دهیم، پس چرا به مطلبش اهمیت نمی‌دهیم؟ برای اینکه امام حسین در آن آخری که دیگر داشت می‌رفت، حضرت روز آخر، ساعت آخر، داد زد برای اینکه

به اصطلاح شیرفهم کند و بفهماند که این قیام من، این حرف من فقط مال حالا نیست، یزید باشد و نباشد فرقی نمی‌کند. همه‌ی روزها عاشوراست، همه‌ی زمین‌ها هم کربلاست، بدانید تا روز قیامت همینطور است. وقتی دانست کس دیگری در جمعیت نیست، از طرفداران خودش همه رفتند، از خاندان شریف خودش، از صحابه‌ی شریف خودش، همه رفتند. از آن طرف هم که هر چه تا حالا فریاد زد، داد زد، نصیحتشان کرد، هیچکدام این طرف نیامدند، پس دیگر قطعی شده. اینها این طرف آنها هم آن طرف. فریاد زد: هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يُضَرِّئِي؟ این را ما به عنوان عجز امام حسین نگوییم. امام حسین خودش فرمود: **فَهَيَّاتِ مِنَ الدَّلَّةِ، دَلَّتْ وَ خَوَّارِي** از ما دور باد، دور است و دور هم خواهد بود. امام حسین وقتی که می‌داند هیچکس نیست، داد می‌زند: هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يُضَرِّئِي؟ درباره‌ی آنها که می‌دانست کسی نیست، خطاب به ما گفت: هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يُضَرِّئِي؟ حالا هم اگر گوش دلتان باز شود این صدا را می‌شنوید و جواب می‌دهید. اهمیت امام حسین هم این است، نه در اینکه تعطیل کنند.

حالا ان شاءالله توفیق پیدا کنیم که با شادی آن حضرت شاد و با غم آن حضرت غمناک باشیم و جواب این: هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يُضَرِّئِي؟ را از صمیم قلب بدهیم همانطوری که خود آن سؤال: هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يُضَرِّئِي؟ را برای همه‌ی بشریت گفت، ما هم جوابی بدهیم که از طرف همه‌ی بشریت باشد. ان شاءالله. **(برگرفته از گفتارهای عرفانی، سوّم شعبان ۱۴۳۳ قمری، میلاد امام حسین ع، صبح پنج‌شنبه ۱۳۹۱/۴/۳، جلسه برادران ایمانی)**

بعد از رحلت حضرت پیغمبر و بالاخره بعد از رحلت حضرت فاطمه، حضرت علی، عقیل (برادرشان) را خواستند، چون به اصطلاح مهارت و اطلاعات عقیل در مورد قبایل عرب و خصوصیات قبایل بود، فرمودند: من می‌خواهم زن بگیرم منتها می‌خواهم از قبیل‌های باشد که این خصوصیات وفاداری و دفاع از نیتش به هر قیمتی در آن قبیله باشد. عقیل ام‌البنین را پیشنهاد کرد و حضرت ام‌البنین را گرفتند. ام‌البنین چهار پسر آورد، هر چهار نفر مثل اینکه در کربلا شهید شدند که گاهی خیلی ناراحت می‌شد و می‌گفت: دیگر به من نگویند ام‌البنین (ام‌البنین یعنی مادر فرزندان، مادر پسران) من که دیگر هیچ پسری ندارم. در رأس آنها عباس بود، ابوالفضل برادر حسنین بود. در زمان حضرت امام حسن که شاید خیلی کودک بود ولی زمان حضرت امام حسین بزرگ بود ولی هرگز به امام نگفت برادر. علی علیه السلام هم به اینها گفت که شما فکر نکنید با آنها برادر هستید، هم سطح هستید، آنها فرزندان فاطمه، فرزندان رسول خدا، هستند.

| | | |
|---|--|---|
| <p>بنیادوهم ازبانی هفته اول فروردین ۱۳۸۹ شمسی</p> | <p>رعایت اعتدال در گفتار و رفتار و حالات که از اعتدال در فکر و اعتقاد سرچشمه می‌گیرد از صفات پسندیده و از ویژگی‌های بزرگان دین و روش و منش حضرت سید المرسلین <small>صلی الله علیه و آله</small> و ائمه‌ی طاهرين <small>علیهم السلام</small> است. پس فقرا حتی الامکان آن را الگو قرار داده و از هر نوع گفتار و رفتار غلوآمیز و بروز حالات خود مخصوصاً در مجالس فقری خودداری نمایند و نمی‌توان همه‌ی حالات فقرا را جذبه دانست زیرا در بعضی موارد از آثار امراض روانی یا ضعف اعصاب است و نباید آن را نشانه‌ی کمال یا ترقی دانست و تا حال اختیار دارند باید خود را کنترل نمایند.</p> | <p>۱۲۱ یادآوری قسمتی ازبانی‌های حضرت آقایی حاج دکتر نورعلی تائبنده (مجنوب علیشاه)</p> |
|---|--|---|

این واقعه‌ای است که از لحاظ شناخت اخلاق‌های متفاوت مورد توجه است، در انسان یک گرایزی هست که آنها را هر طور که هست می‌خواهد اجرا کند. انسان تشنه است آب هم جلوی او هست، کمال تشنگی هم دارد، بدون اینکه بفهمد یعنی اراده کند می‌خواهد از آن بخورد. دست می‌زند که بخورد این فطرت و غریزه است. غریزه بر بشر حاکم است ولی خداوند یک جنبه‌های معنوی در بشر آفریده که بطور کلی اسم آن را گذاشته‌اند: عقل؛ عقل دینی. غریزه یک چیز نامرئی است به عباس می‌گفت دست بزن آب بردار. او اینجا به یادش آمد، یعنی آن عقل ایمانی، آن ایمان، جلوی او را گرفت، آب را ریخت گفت که مولای من (حتی نگفت برادر من) تشنه است شایسته نیست من آب بخورم. البته بعضی‌ها می‌گویند باید آب می‌خورد که بتواند این آب را بیاورد به اینها برساند. حالا این در مقابل عقلی است که ما می‌گوییم عقل متداول که در اینجا عقل هم نیست، غریزه است ولی اینکار را نکرد و آب را نخورد.

تا بعد دیدیم در واقع هم فرمایش علی ثابت شد، هم تشخیص عقیل و هم این نظریه‌ی وراثت اخلاقی، اخلاقیات به وراثت می‌رسد که عباس چطور و تا چه حد وفاداری کرد. اولاً روی همان فرمایش علی علیه السلام هرگز به امام حسین نگفت برادر، یا مولایی می‌گفت. فقط یک‌بار در عمرش یا اخی گفت. آنوقتی که افتاده بود روی زمین فریاد زد برادر به جان برادر برس. در واقع خداحافظی کرد.

به هر جهت از این واقعه‌ی کربلا که فقط هفتاد و چند نفر از اینها بودند و کشته شدند این داستان نیز مانده که یکی از قهرمانان عمده‌ی این داستان همین ابوالفضل‌العباس است. با وجود اینکه عباس از لحاظ مطالعه‌ی تاریخ خیلی نباید نام داشته باشد برای اینکه فرزند که نداشت، مال و ثروت جداگانه هم که نداشت، هیچ جا را هم فتح نکرده بود ولی مع‌ذک در همه جا شناخته شد و نام او در تاریخ اسلام همه جا گفته شده و او را می‌شناسند. البته در اعتقاد عامیانه‌ی مردم خیلی امور را به عباس منتسب می‌کنند و می‌گویند و حتی آن داستان که قبلاً گفتم، کسی می‌گفت که این سفره‌ی حضرت آقا را که خدا و پیغمبرش نمی‌توانند دنبالش را بیاورند مگر حضرت عباس کاری بکند. حالا منظور اینطور حضرت عباس در دل‌ها جا گرفته. فرض کنید که حضرت عباس زنده بود زن هم می‌گرفت که چندین بچه هم می‌آورد، ثروت فراوانی هم داشت، امروز چه از او می‌ماند؟ هیچ. حضرت از همان اول حساب کرده نام نیک را مهمتر از همه‌ی آنها دانسته به‌علاوه که ایمان او اینطور به او می‌گفت. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، چهارم

شعبان ۱۴۳۳ قمری، میلاد حضرت ابوالفضل‌العباس، صبح یکشنبه ۱۳۹۱/۴/۴)

سایات حضرت آقای حاج دکتر نور علی تاننده (محبوب‌علی‌شاه) شامل جزوات گفتارهای عرفانی شرح رساله شریفه‌ی نذول
 شرح فرمایشات حضرت سجاد علیه السلام (شرح رساله حقوق) شرح فرمایشات حضرت صادق علیه السلام (تفسیر مصباح‌الشریعه و مفتاح‌الحقیقه) جزوات موضوعی
 (استاره، خانواده، حقوق مالی و غیره، نفع‌شهادت‌بازگنده‌ی بی‌ازبیانات) / مکاتیب عرفانی (مجموعه‌ی پاسخ‌نامه) / مجموعه دستورالعمل‌ها و بیانیات / شرح و تفسیر
 برخی از آیات قرآن کریم / گفت‌وگوهای عرفانی (مجموعه‌ی مصاحبه) منتشر شده است.
 جهت عارش و دریافت جزوات از طریق شماره تلفن ۰۹۱۲۵۸۳۸۲۴۲ و یا سایت WWW.JOZVEH121.COM اقدام فرمایید.